

یاد



به یاد
هما
روستا

مسافر ۴مهر

۴مهر ۱۳۲۳ آمد و ۴مهر ۱۳۹۴ رفت. در فاصله این دو تاریخ، هما روستا مسفرها کرد و شخصیت‌ها ساخت و زندگی‌ها کرد. هنوز هم دیالوگ معروفش در ابتدای فیلم «مسافران» (۱۳۷۰) بهرام بیضایی در گوش اهل سینما زنگ می‌زند: «ما می‌ریم تهران برای عروسی خواهر کوچک‌ترم. ما به تهران نمی‌رسیم، ما همگی می‌میریم.» این دیالوگ را طوری می‌گوید که انگار از رفتن به استقبال مرگ خودش و خانواده‌اش ابایی ندارد. هما روستا را می‌شود با مهتاب و سفر نیمه‌کاره‌اش از شمال به تهران در «مسافران» به یاد آورد، با عروسی عزاشده، با خانواده‌ای که هر کدکام به شیوه خود به سوگ و حرمان واکنش نشان دادند.

۱ هما روستا خیلی پیش از «مسافران» در اواخر دهه ۱۳۵۰ با «دیوار شیشه‌ای» ساموئل خاچیکیان وارد دفتر فنی طول کشید تا دوباره در فیلمی سینمایی جلوی دوربین برود. در «گزارش یک قتل» (۱۳۶۵) محمدعلی نجفی بازی کرد که داستان سروان کلالی، عضو قدیمی حزب توده ایران بود که پس از آزادی از زندان تصمیم می‌گیرد کیمرام، رهبر سابق سازمان نظامی حزب را که خیانت کرده و حال نیز رئیس کانون حزب رستاخیز کارخانه ذوب آهن اصفهان است، به قتل برساند. او تصمیمش را در کوران انقلاب عملی می‌کند و پس از گذشت سال‌ها همسر و دخترش را ملاقات می‌کند. بازی در این فیلم برای هما روستا که پدرش، رضا روستا، از رهبران حزب توده ایران بود، حتماً معنای خاصی داشته.



۲ سال بعد در «پرنده کوچک خوشبختی» (پوران درخشند، ۱۳۶۶) نقش معلمی را عهده‌دار شد که مثل مسافری از راه می‌رسد و وارد زندگی یک دختر لال می‌شود و زندگی او را تغییر می‌دهد.

۳ «تمام سوسوسه‌های زمین» را در سال ۱۳۶۸ بازی کرد، هر چند مهم نیست که به نظر اغلب منتقدان و اهل فن فیلم خوبی از آب در نیامد و حمید سمسندیان در نخستین و آخرین تجربه سینمایی‌اش شکست خورد. هما در این فیلم جلوی دوربین همسرش بازی کرد. او همای حمید بود و هر چه نام و نشانی از حمید داشت برایش عزیز و محترم و دوست‌داشتنی بود.



۴ سال ۱۳۷۱، بعد از «مسافران» در «از کرخه تا راین» در نقش زنی به نام لیلیا ظاهر شد که سال‌ها پیش خانواده‌اش را ترک کرده و به آلمان رفته و با همسر آلمانی و فرزندش زندگی می‌کند. وقتی برادر لیلیا که جانباخته است، برای عمل چشم‌آمایش به آلمان می‌رود، خواهر و برادر بعد از سال‌ها با هم مواجه می‌شوند و در آخر پدر، خواهرش را نام و رهسپار خانه می‌کند. روستا برای این فیلم پرنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر شد، اما انگار این جایزه چندان برایش خوش‌یمن نبود و بعد از آن سینما تقریباً برایش تمام شد.

۵ در تلویزیون در سریال «خاک سرخ» که سال ۱۳۸۱ از شبکه یک پخش شد، باز با حاتم‌کیا همکاری کرد و نقش خانم صبار را در فیلمی با پس‌زمینه جنگ بازی کرد.

۶ شور و عشقش به تئاتر وصفناشدنی بود. تئاتر معنای واقعی هنر را برایش تداعی می‌کرد. در اوایل دهه ۱۳۷۰ در نشریه‌ای از وضع بد تئاتر گلّه کرد و از آن یادداشت می‌شد دریافت چه اندازه دل در گرو صحنه دارد. سال ۱۳۹۲ برای آخرین بار روی صحنه رفت و بعد از آن بیماری بود که او را با خود به سفری دور و دراز برد.

۷ همسرش سال ۱۳۹۱ او را ترک کرد و بعد از آن نام و یاد حمید سمسندیان همواره با او بود تا اینکه خود

۸ او هم بالاخره در ۴مهر ۱۳۹۴ به دیار ابدی سفر کرد. هما روستا مسافری بود که در فاصله ۴مهر ۱۳۲۳ تا ۴مهر ۱۳۹۴ سفرها کرد و شخصیت‌ها ساخت و زندگی‌ها کرد. پادش گرامی.



بهنظر هیات انتخاب اسکار احترام می‌گذارم
احمد بهرامی، کارگردان: سال ۱۴۰۰ «دشت خاموش» و «قهرمان» به مرحله پایانی معرفی به اسکار رسیدند. آن زمان فیلم آقای فرهادی به اسکار معرفی شد. امسال هم فیلم «شهر خاموش» به مرحله پایانی رسیده، اما «در آغوش درخت» به اسکار معرفی شد. بشخصه بهنظر هیات انتخاب اسکار احترام می‌گذارم. / مهر



دوست دارم کاری برای رزمندگان فلسطینی انجام دهم
حبیب‌الله بهمنی، کارگردان: سال‌هاست دست‌های پیدا و پنهان راه‌ها را بر نیروهای انقلاب بسته‌اند، اما هیچ‌گاه ناامید نشده‌ام. دوست دارم در آستانه سالگرد حماسه تاریخی عملیات طوفان الاقصی، به‌جای تیریک خشک و خالی به رزمندگان فلسطینی برایشان کاری کرده باشم. / سینما پرس



سال تولید پر مخاطب‌ترین سریال تابستان

«طوبی» بر اساس نظر سنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما در نیمه اول شهر یور بعد از پخش بیشترین مخاطب را میان سریال‌ها جذب کرده است



شقایق عرفی نژاد
روزنامه‌نگار

سریال «طوبی» بر اساس نظر سنجی صدا و سیما سریال پر مخاطب تابستان معرفی شده است. سریال طوبی به کارگردانی سعید سلطانی در نظر سنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما در نیمه اول شهریور و بعد از پخش ۲۹ قسمت ۳۱/۵ درصد مخاطب داشته است؛ آماري که البته چندان برای یک سریال و برای تلویزیون عدد بالایی نیست.

این سریال که از ۱۳ مرداد روی آنتن رفته است، یک سریال اکتباسی است و بر اساس رمان «اربعین طوبی» نوشته محسن امامیان ساخته شده. رمان که سال ۹۵ نوشته شده، درباره دختری به نام طوبی است که در دهه ۱۳۳۰ به عراق می‌رود و آنجا ازدواج می‌کند. حوادث متعدد میان ایران و عراق بر زندگی او تأثیر عمیقی می‌گذارد و در نهایت او بعد از سال‌ها بی‌خبری از فرزند مفقودالارش، تصمیم می‌گیرد پای پیاده به گر بلا برود در راهیمایی اربعین داستان زندگی‌اش را برای نوه‌هایش تعریف می‌کند. کتاب ۴۰ گام یا بخش دارد و در هر گام نوجوانی، جوانی و میانسانی طوبی روایت می‌شود و در این روایت قرار است بخشی از تاریخ ایران و عراق و روابط ۲ کشور به تصویر کشیده شود.

طوبی دختری نوجوان است که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پدرش را از دست می‌دهد و در روزگار یتیمی به‌ازدواج تجاری عراقی در می‌آید و مجبور می‌شود با هووی بد اخلاقش زندگی کند. زندگی‌ها بر وفق مراد نیست اما طوبی تصمیم می‌گیرد به جای فرار بماند و فرزندانی تربیت کند که افتخار همسرش عبدالله باشند. رمان در چند فصل به جنگ ایران و عراق هم می‌پردازد. پسران طوبی باید به ارتش ملحق شوند اما طوبی جنگیدن با ایران را برای فرزندانش حرام می‌کند.

«بازم مدرسه‌م دیر شد»: ۴۱ سال بعد

یادی از سریال مهر ماهی دهه ۱۳۶۰

گزارش

برای بچه‌های دهه ۱۳۶۰، سریال تلویزیونی «بازم مدرسه‌م دیر شد» نوستالژی زیادی دارد؛ سریالی با بازی اکبر عبدی ۱۳ساله در نقش محسن که همیشه مدرسه‌اش دیر می‌شد و هر بار هم بهانه‌ای برای دیر رسیدن به مدرسه داشت. در دهه ۱۳۶۰ که مدرسه‌ها در امور تربیتی و آموزشی سختگیری زیادی می‌کردند و بچه‌ها از مدرسه رفتن فراری بودند، با ساخت سریالی‌هایی مثل «بازم مدرسه دیر شد» عواقب تنبلی و بازیگوشی به بچه‌ها گوشزد می‌شد. در واقع در آن دوران تلویزیون به‌عنوان تنها رسانه فرآیند سنی می‌کرد بچه‌ها را از نظر ذهنی برانی رفیق به مدرسه آماده کند.

اکبر عبدی در برنامه تلویزیونی «چهل تیکه» که از شبکه نسیم پخش می‌شد، درباره حال‌وهوای مدرسه در آن سال‌ها گفته بود: «الان بچه‌ها مدرسه را دوست دارند؛ ولی آن زمان بچه‌ها خیلی از مدیر و معلم حساب می‌بردند. الان معلم اگر بلند داد بزند سر بچه‌ها، می‌توان از او شکایت کرد و وضعیت خیلی فرق کرده است.»

او سپس خاطره‌ای از دوران مدرسه‌اش تعریف

کرد: «یک‌بار سر کلاس مدام به معلم ممان می‌گفتم آقا می‌شه برم دستشویی، می‌شه برم دستشویی؟ معلم هم می‌گفت نمی‌شه. مدتی که گذشت، دلش بر رحم اومد و گفت بیا برو. گفتم دیگه نمی‌خوام، هومن سر زنگ تفریح می‌رم و به مامانم می‌گم برام لباس بپاره.»

عبدی درباره سریال «بازم مدرسه‌م دیر شد» در این برنامه گفت: «در مجموعه «بازم مدرسه‌م دیر شد» هر قسمت ۱۰۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتم و در همان موقع فیلم سینمایی با دستمزد ۵۰۰ هزار تومان پیشنهاد شد که همان کاراکتر «بازم مدرسه‌م دیر شد» را بازی کنم اما چون تکراری بود قبول نکردم. این‌را باید گفت که در دام تکرار افتادن به شرایط مالی و معنوی بازیگر خیلی بستگی دارد.» جز عبدی، دیگر بازیگران این سریال اسماعیل داورفر در نقش پدر محسن، مهین شهسائی در نقش مادر محسن، عنایت‌الله شفیعی در نقش مرشد و مجید رزاق در نقش بچه‌مرشد بودند. کارگردان هنری این سریال حسین افقهی بود و کارگردان تلویزیونی‌اش مهوش جزایری. این سریال سال ۱۳۶۲ از شبکه یک سیما پخش می‌شد.

شاید برایتان جالب باشد که بداند بازیگران این سریال بعد از ۴۱ سال حالا کجایند و چه می‌کنند



مجید رزاق

مجید رزاق که سال‌هاست کمتر تصویرش را در قالب تلویزیون می‌بینیم، بیشتر در دهه ۱۳۶۰ به‌عنوان مجری فعال بود. البته او تجربه بازی در تله‌تئاتر هم دارد. او در «بازم مدرسه‌م دیر شد» نقش بچه‌مرشد را داشت که و دوست مرشد بود. پس از گذشت بیش از ۴ دهه مجید رزاق همچنان با این نقش به یاد آورده می‌شود.



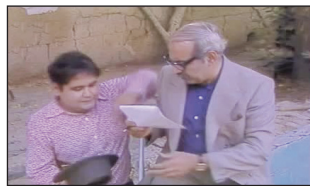
عنایت‌الله شفیعی

شفیعی در سریال «امام علی» و سریال «مختارنامه» با او در میراثی همکاری کرده و حال‌هم در حال بازی در سریال «مسلمان فارسی» است که زمان پخش آن مشخص نیست. او در «بازم مدرسه‌م دیر شد» نقش مرشد را داشت که معرکه می‌گرفت و بچه‌ها دورش جمع می‌شدند و نکات آموزشی را در قالب شعر و پند و اندرز به بچه‌ها آموزش می‌داد.



مهین شهایی

مهین شهایی با اینکه کارش را در سینما و تلویزیون قبل از انقلاب آغاز کرد، با سریال «آینه» در سال ۱۳۶۶ به شهرت رسید. او در سال ۱۳۸۹ گذشت. شهایی در «بازم مدرسه‌م دیر شد» نقش مادری مهربان اما جدی را داشت که با حوصله بود، اما در برابر شیفتن‌های محسن کوتاه نمی‌آمد و سعی می‌کرد درست و غلط را به او آموزش دهد.



اسماعیل داورفر

داورفر که بیشتر با نقش‌های دوستعلی در سریال «دایی جان ناپلئون» ناصر تقوایی و مدیر آژانس در سریال «آژانس دوستی» در یادها مانده، سال ۱۳۸۷ در ۷۶سالگی درگذشت. آخرین کار تلویزیونی او یک سال پیش از فوتش تله‌فیلم «رز سرخ» بود. در «بازم مدرسه‌م دیر شد»، تکیه‌کلام داورفر «چه تیکو» بود.

پنجشنبه ۵ مهر ۱۴۰۳ - شماره ۹۲۱۳



صفحه‌ار: بهروزقلی پور

سینمای جهان

انتقاد از ترامپ در اکران فیلم کاپولا



در مراسم نخستین نمایش «مگالوپولیس» جدیدترین فیلم فرانسیس فورد کاپولا که با حضور بازیگران آن در نیویورک برگزار شد، رابرت دنیرو فرضیه‌ای را مطرح کرد که حتی با وجود خیلی جدی بودن چهره او، حضار به خنده افتادند. وی گفت: «فقط تصور کنید دونالد ترامپ این فیلم را کارگردانی کند. از بس دیوانه است هرگز به جایی نمی‌رسد، او نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد. نمی‌تواند چیزی را کنار هم نگه دارد... او می‌خواهد کشور را ویران کند، او نتوانست در سینما هم کار کند. او نمی‌توانست کاری انجام دهد که ساختار داشته باشد.»

دنیرو، اسپیکالی و کاپولا در یک جلسه پرسش و پاسخ نیم‌ساعته که قبل از نمایش فیلم در جشنواره فیلم نیویورک در قالب آمیکس برگزار شد، نظرات خود را درباره فیلم و جامعه آمریکا بیان کردند. در حالی که جشنواره فیلم نیویورک جمعه آغاز می‌شود، با فراهم آمدن فرصتی نادر سرای جمع‌آوری مهمانان بر جسسته در کنار کاپولا ۸۵ساله برای تماشای فیلم به‌صورت آمیکس، این برنامه سه شنبه شب پیش برگزار شد. پس از این نشست هم‌فرض قرمز فیلم با حضور بازیگران از جمله اپری پلازا، داستین هافمن و جیان کارلو اسپوزیتو برگزار شد. در آخرین دقایق پرسش و پاسخ، دنیرو و اسپیکالی که به صراحت به تشابه بین دنیای خیالی فیلم و اضطرابی که در سال انتخابات بر آمریکا حاکم است، پرداختند. در حالی که از دنیرو درباره دیدگاهش درباره آینده سینما سؤال شد، او از زاویه‌های سیاسی به مسئله پرداخت و با تمرکز بر توجه کاپولا به زوال تمدن‌ها و ظهور دیکتاتورهای گفت: من نگران هستم. من چیزهایی را در فیلم فرانسیس در این باره می‌بینم که مواردی مشابه دارد. به نظر من، تا زمانی که به آنجا نرسیده‌ایم، تمام شده و باید با تمام وجود برای شکست دادن جمهوری خواهان - که جمهوری خواهان واقعی نیستند - شکست دادن ترامپ، این کار را انجام دهیم. به همین سادگی. نامی توأمین چنین نوع آدمی داشته باشیم، همه باید بیرون بروند و رأی بدهند.

هالیوود



استقبال از فیلم جانی دپ

جانی دپ با حضور در جشنواره سن‌سیاستین در اسپانیا با تشویق کامل رویره‌و شد و گفت که خیلی خوش‌شانس است. به گزارش مهر به نقل از ددلاین، در حالی که تیتراژ پایانی «مودی» دومین تجربه کارگردانی دپ در جشنواره سن‌سیاستین پخش می‌شد، سازنده آن با تشویق‌های ایستاده طولانی مدت و غریو «براو» تحسین شد. این فیلم که از سوی فیلمساز به جف بک، راگر فکید دوست دپ تقدیم شد، عرصه سه‌شنبه در بخش خارج از رقابت سن‌سیاستین ۲۰۲۴ پیش شد.

در عین حال شور و شوق خاصی برای آل‌چاپینو، بازیگر کهنه‌کار وجود داشت که در این فیلم در نقش یک خریدار آثار هنری بازی می‌کند. چند نفر از بازیگران فیلم از جمله بازیگران اصلی آنتونیا دسپولات و ریکار دو اسکامارسیو در نخستین نمایش فیلم به دپ پیوستند، اما آل چاپینو و استگان گراهام در این مراسم حضور نداشتند.

«مودی» دومین تلاش کارگردانی دپ، ۲۷سال پس از «شجاع» اولین تجربه کارگردانی وی ساخته شده است. از این فیلم به‌عنوان «گردباد هفتاد و دو ساعته در زندگی هنرمند بوهمی آمادئو مودیلیانی» یادشده و این هنرمند را از طریق مجموعه‌ای از رویدادهای آشفته در خیابان‌های پاریس جنگ‌زده در سال ۱۹۱۶ دنبال می‌کند. دپ با گروه بازیگران و همکاری‌اش از جمله آنتونیا دسپولات و ریکار دو اسکامارسیو در یک نشست مطبوعاتی هم شرکت کرد. وی به خبرنگاران گفت: ابتدا آل چاپینو، بازیگر کهنه‌کار با او برای این پروژه تماس گرفت.

دپ گفت: یک تماس تلفنی بسیار عجیب از آل چاپینو دریافت کردم که می‌گفت: پروژه مودیلیانی را به‌خاطر داری؟ او و گفت من باید آن را کارگردانی کنم و وقتی چاپینو صحبت می‌کند، تو گوش می‌دهی و بنابراین من با آن همراه شدم. اما تا زمانی که تکه‌های پازل به هم نرسیدند، نمی‌دانستم چه می‌شود. او در این نشست گفت که این تجربه بی‌نهایت مثبت‌تر از ساخت فیلم اولش بوده است. وی گفت: وقتی ۲۷سال پیش «شجاع» را می‌ساختم آخرین کاری که می‌خواستم انجام دهم این بود که دوباره فیلم بسازم. حساب و کتاب این کار خیلی زیاد بود. انگار در یک نوع سبوراخ ساختار یافته گیر افتاده باشی. به عنوان کرد که با «مودی» مانند یک کودک نوپای غول‌پیکر احساس آزادی کرده است.

وی در پاسخ به روزنامه‌نگاری که پرسید آیا می‌تواند ارتباطی بین زندگی هنری بره‌رج و مرچ مودیلیانی و زندگی خودش ببیند، گفت: همه ما چیزهای زیادی را پشت سر گذاشته‌ایم. شاید زندگی شما تبدیل به سریال تلویزیونی نشده باشد، اما هر حال همه ما چیزهایی را تجربه می‌کنیم.